

## جایگاه منطقه جنوب آفریقا اولویت‌های سیاست خارجی رژیم صهیونیستی

صبری انوشه\*

### چکیده

قاره آفریقا به‌ویژه کشورهای جنوبی آن همواره مورد توجه راهبردهای رژیم صهیونیستی بوده است. پیشینه تاریخی این اهتمام به دوران تأسیس کنگره جهانی صهیونیستی‌ها، باز می‌گردد. اغلب جمعیت یهودیان ساکن قاره سیاه، در مستعمرات انگلیسی و پرتغالی منطقه جنوب آفریقا، زندگی می‌کردند و در زمینه بانکداری، بیمه، معادن و کشاورزی آن مستعمرات فعال بودند. جنبش صهیونیستی در این منطقه فعال بوده و در پایه‌گذاری رژیم صهیونیستی در فلسطین اشغالی نقش مؤثری داشته است. پس از استقلال کشورهای این منطقه، رژیم صهیونیستی در سیاست آفریقایی آمریکا نقش مؤثری پیدا کرد. مقاله‌ای که پیش‌روست تلاش می‌کند با بررسی روند مناسبات رژیم صهیونیستی با کشورهای این منطقه، وضعیت روابط میان این رژیم و منطقه را تبیین نماید.

**واژگان کلیدی:** رژیم صهیونیستی، جنوب آفریقا، فلسطین اشغالی، قاره سیاه، کنگره جهانی یهودیان

---

\* کارشناس مسائل آفریقا و خاورمیانه

## مقدمه

جنبش صهیونیسم به قاره آفریقا به‌ویژه منطقه جنوبی آن توجه خاصی داشته و در اسناد اولین کنگره جهانی صهیونیسم در شهر بال سوئیس در سال ۱۸۹۷ این دیدگاه راهبردی مورد توجه قرار گرفته است. یهودیان منطقه جنوب آفریقا با استعمارگران انگلیس و پرتغال همکاری و هماهنگی داشتند. هرتزل از موسسین جنبش صهیونیستی در خاطراتش می‌نویسد: «در قبال وام و پولی که قرار است به پرتغال داده شود، صهیونیست‌ها مستعمره موزامبیک را دریافت کنند.» در آفریقای جنوبی یهودیان هلندی و انگلیسی همراه با مهاجران اروپائی در تسخیر مراتع و سرزمین‌های حاصلخیز و معادن غنی و روند شهرسازی و مستعمره‌سازی در این منطقه، نقش فعالی داشتند. رژیم صهیونیستی و رژیم آپارتاید آفریقای جنوبی در مه ۱۹۴۸ تأسیس شدند و تا سال ۱۹۹۴ یک سیاست همگرا و هماهنگ داشته و در تحولات منطقه جنوب آفریقا و روند آن نقش مهمی داشتند. رژیم صهیونیستی در ظاهر مخالف سیاست‌های تبعیض نژادی بوده ولی شواهد تاریخی گواهی می‌دهند که این رژیم نقش مؤثری در تحکیم و تثبیت رژیم آپارتاید سفیدپوست داشته است. مقاله‌ای که پیش‌روست به پرسشهای زیر پاسخ می‌دهد:

۱. نقش جنبش صهیونیستی در تداوم استعمار انگلیس و پرتغال
۲. بررسی نقش یهودیان مقیم منطقه در سیاست کشورهای این منطقه
۳. وضعیت روابط رژیم صهیونیستی با کشورهای این منطقه
۴. مقایسه سیاست تبعیض نژادی رژیم صهیونیستی و رژیم آپارتاید

پیشینه تاریخی مناسبات: هرتزل از پایه‌گذاران جنبش صهیونیستی در دفتر خاطراتش در مورخ سیزدهم مه ۱۹۰۵ پیرامون اهتمام صهیونیست‌ها به آفریقا، چنین می‌نویسد: «دیروز و امروز، روز ثمربخش بوده و طرح نوینی را تهیه کردم و پیشنهاد اوگاندا را که چمبرلین - از زعمای بریتانیا کبیر- ارائه داده، بررسی و به موضوع موزامبیک رسیدم. می‌خواهم این سرزمین متروکه و رها از پرتغالی‌ها (استعمارگران سرزمین موزامبیک) که به پول و وام نیازمندند را غصب کنم تا در معاملات چانه‌زنی به کار گیرم. می‌خواهم موزامبیک را به انگلیسی‌ها بدهم تا در مقابل شبه جزیره سینا را با آب نیل بگیرم و شاید آن را با جزیره قبرس معاوضه کنم»<sup>۱</sup>

اکنون پس از گذشت یک سده، هنوز قاره آفریقا در اولویت‌های سیاست خارجی رژیم صهیونیستی است. در طرح راهبردی اسرائیل ۲۰۲۰ اهمیت آفریقا جهت تأمین بخشی از امنیت و استمرار بقای رژیم صهیونیستی تبیین شده است.<sup>۲</sup> در دهه پنجاه، رژیم اشغالگر قدس پایه‌های سیاست آفریقایی خود را پی‌ریزی کرد.<sup>۳</sup> در دهه هفتاد و هشتاد بسیاری از کشورهای عضو سازمان وحدت آفریقا به استثنای آفریقایی جنوبی و اقمارش (رودزیای شمالی، نامیبیا (آفریقای جنوب غربی)، سوازیلند، لسوتو و مالایو روابط خود را با رژیم صهیونیستی قطع کردند.<sup>۴</sup>

آفریقای جنوبی به عنوان متحد منطقه‌ای رژیم صهیونیستی نقش مؤثری در حفظ روند مناسبات میان رژیم صهیونیستی و اقمار رژیم آپارتاید داشته و استعمار غرب و رژیم صهیونیستی طی پنج دهه نقش مهمی در تثبیت رژیم آپارتاید در آفریقای جنوبی و اقتدار آن در منطقه جنوب آفریقا داشتند.<sup>۵</sup> رژیم صهیونیستی جهت پیشبرد اهداف و سیاست‌های راهبردی خود در منطقه آفریقا، بسیاری از مؤسسات پژوهشی را به کار گرفته تا طرح‌های راهبردی تهیه کنند از جمله از مراکز:

- اداره همکاری‌های بین‌المللی اسرائیل: این مؤسسه در ۱۵ ژوئن ۱۹۹۷ همایش کارشناسی برگزار کرد تا طرح‌های این رژیم را در منطقه آفریقا مورد بحث و بررسی قرار دهد.

- کمیته برنامه‌ریزی و هماهنگی و پیگیری اسرائیل: این نهاد جهت تهیه و تدوین طرح‌های راهبردی و برای شناخت اولویت‌های سیاست‌های خود در منطقه آفریقا تلاش‌های نموده از جمله برگزاری همایش‌های کارشناسی و تحقیقاتی برای نیل به طرح‌ها و راه‌کارهای اجرای اولویت‌ها و رویکردهای سیاست این رژیم در کشورهای آفریقایی و نیز نشست کارشناسی سپتامبر ۱۹۹۸ با حضور پژوهشگران و سیاست‌گزاران صهیونیست در راستای این اهداف بوده است.<sup>۶</sup> این کمیته چندین طرح جهت تبیین اولویت‌های سیاست‌های راهبردی رژیم اسرائیل در منطقه آفریقایی برای ربع اول قرن بیست و یکم تصویب کرده است.<sup>۷</sup> اغلب طرح‌های راهبردی این رژیم درباره آینده سیاست‌های اسرائیل در قاره آفریقا در سایه حکومت بنیامین نتانیاهو تهیه و تدوین گشته و در حکومت‌های باراک، شارون و اولمرت مورد اجرا قرار گرفته است.

- وزارت خارجه رژیم صهیونیستی با وزارت دفاع و مرکز موشه‌دایان (مرکز مطالعاتی خاورمیانه و آفریقا)<sup>۸</sup> برنامه‌های پژوهشی و مطالعاتی پیرامون قضایای قاره آفریقا و کشورهای آن دارند. به‌طور مثال در سپتامبر ۱۹۹۹ این ارگان‌ها همایش مناسبات اسرائیل و کشورهای آفریقا را برگزار کرده و طرح‌های راهبردی و مطالعات پیشرفته درباره اولویت‌های راهبردی رژیم در قاره آفریقا مورد بررسی و تصویب قرار گرفت.<sup>۹</sup>

اغلب کشورهای منطقه جنوب آفریقا تابع استعمار انگلیس بوده و برخی از آن‌ها در اختیار استعمار پرتغالی، آلمانی و هلندی بوده است. سرزمین‌های آنگولا و موزامبیک جزء مستعمرات پهناور استعمار پرتغال بودند. رژیم صهیونیستی پس از تأسیس روابط

خود را با استعمار انگلیس و پرتغال در این منطقه توسعه داد و با ارکان استعمارگران جهت تثبیت پایه‌های آن همکاری‌های گوناگونی داشت.

### مناسبات رژیم صهیونیستی با کشورهای پرتغالی زبان آفریقا

آنگولا، موزامبیک، گینه بیسائو، دماغه سبز و سائوتومه و پرنسیپ جزء مستعمرات پرتغال در قاره آفریقا بودند. عوامل زیادی به نهضت آزادی‌بخش ملی در این مستعمرات کمک کردند تا این مستعمرات در اواسط دهه هفتاد مستقل شوند. از جمله عوامل:

۱. نقش آمریکا در زدودن استعمار کهنه در آفریقا؛ به‌نظر مراکز پژوهش آمریکا، سیاست استعماری در قاره آفریقا، زمینه‌ها را برای رشد کمونیسم در این منطقه تقویت کرده و این روند باعث حضور شوروی و امارش در قاره آفریقا گشته است. لذا واشنگتن فشارهای گوناگونی بر استعمارگران اروپایی وارد کرد تا شیوه اداره مستعمرات را تغییر و زمینه‌ها را برای رشد کمونیسم آفریقایی نابود سازند.

۲. فساد اداری و مالی حکمران‌های مستعمرات به‌ویژه مستعمرات پرتغالی و اسپانیولی زمینه‌های تضاد میان مرکز و ایالت‌های ماوراءالبحار را تشدید کرد و این روند، اداره مستعمرات را دچار معضلات زیادی نمود.

۳. مرگ دیکتاتورها در اروپا و بروز نهضت‌های انقلابی و اصلاح‌طلب: تحولات پرتغال و اسپانیا در دهه شصت و هفتاد رژیم‌های دیکتاتوری و استعماری اروپا را به سمت ویرانی و نابودی سوق داد و زمینه‌ها را برای استقلال و آزادی مستعمرات در آفریقا فراهم ساخت.<sup>۱۰</sup>

۴. رشد نهضت‌های آزادی‌بخش در مستعمرات پرتغالی در نیمه دهه پنجاه، نقش مؤثری در افول استعمار اروپایی در این مستعمرات داشت.<sup>۱۱</sup>

۵. رشد جنبش‌های اصلاح‌طلب و چپ در پرتغال و اسپانیا نقش کلیدی در افول استعمار کهنه در آفریقا داشت. در اواسط دهه هفتاد در دو کشور همسایه یعنی اسپانیا و پرتغال، اصطلاحات سیاسی صورت گرفت. این دو کشور مستعمرات خود را در آفریقا از دست داده و زمینه برای عضویت این دو کشور در بازار مشترک اروپا (اتحادیه اروپا) فراهم شد.

مستعمرات پرتغالی در اواسط دهه هفتاد مستقل و رژیم‌های مارکسیستی و رادیکال در کشورهای تازه استقلال‌یافته مستقر شدند. رژیم‌های آنگولا<sup>۱۲</sup>، موزامبیک، گینه بیسائو، دماغه‌سبز و سائوتومه و پرنسیپ با رژیم صهیونیستی مشکلاتی داشتند. برخی از دلایل این وضعیت را می‌توان در نکات زیر خلاصه نمود:

۱. به‌نظر رهبران انقلابی این کشورها، رژیم صهیونیستی در طول دوران استعماری همکار و هم‌دست استعمار پرتغال بوده و طی سال‌های مبارزه گروه‌های انقلابی در این مستعمرات جهت نیل به استقلال، دستگاه‌های امنیت و اطلاعاتی رژیم صهیونیستی در خدمت حکومت دیکتاتوری سالازار بود، و این رژیم به دستگاه‌های امنیتی و نظامی پرتغال در مستعمرات، آموزش‌های گوناگونی می‌داد و تجربیات خود را در مبارزه علیه چریک‌های فلسطینی به آن‌ها منتقل می‌کرده است. علاوه بر آن رژیم صهیونیستی انواع وسایل و ابزارهای شکنجه، بازجویی در زندان به پرتغال می‌فروخت.

۲. رهبران انقلابی مستعمرات پرتغالی زبان روابط سنتی با گروه‌های فلسطینی به‌ویژه گروه‌ها و سازمان‌های چپ‌گرا و مارکسیستی فلسطینی داشتند و در دوران مبارزاتی از آن‌ها کمک‌های گوناگون دریافت کردند.

۳. کشورهای پرتغالی زبان آفریقایی پس از استقلال مناسبات سیاسی و اقتصادی با رژیم‌های رادیکال عرب همچون لیبی و الجزایر داشته و از آن‌ها کمک‌های فراوانی دریافت کردند. لذا این کشورها نوعی همگرایی با اعراب در قضیه فلسطین داشتند.

۴. کشورهای تازه استقلال‌یافته در اردوگاه جهانی سوسیالیسم بوده و از رویکرد سیاست‌های شوروی پیروی می‌کردند، لذا این کشورها در راستای اتخاذ سیاست‌های رادیکال و در تضاد با رژیم صهیونیستی که در اردوگاه سرمایه‌داری بوده، قرار داشتند.

مناسبات رژیم صهیونیستی با کشورهای پرتغالی‌زبان آفریقا: در سال ۱۹۷۹ اگوستینو نیتو رهبر میلا و پدر استقلال کشور درگذشت و نبرد میان گروه‌های میلا، فنلا و یونیتا تشدید شد. آنگولا در سال‌های (۱۹۹۰ - ۱۹۷۵) بخشی از عرصه رقابت و مناقشه دو قطب جنگ سرد بود. آمریکا، رژیم صهیونیستی و آفریقای جنوبی از نیروهای رقیب میلا (شوروی و کوبا مهم‌ترین متحدین آن بودند) در ابعاد مختلف حمایت می‌کردند.

هولدن روبرتو رهبر جبهه ملی آزادی‌بخش آنگولا (FNLA) داماد موبوتو سی‌سیکو رئیس جمهوری زئیر بوده و رژیم صهیونیستی از طریق ایالت شایب زئیر به گروه فنلا کمک‌های گوناگون می‌کرد. رژیم صهیونیستی افراد گروه فنلا را در فلسطین اشغالی آموزش نظامی و اطلاعاتی می‌داد.

رژیم صهیونیستی و رژیم آپارتاید آفریقای جنوبی، گروه یونیتا به رهبری جوناس ساویمبی را از طریق نامبیا حمایت می‌کردند. این گروه مورد حمایت آمریکا نیز بوده و تا سال ۲۰۰۲ سرسخت‌ترین گروه متخاصم و رقیب میلا بود. این گروه از طریق استخراج الماس و فروش آن به اسرائیل هزینه‌های نظامی و امنیتی خود را تأمین می‌کرد.<sup>۱۳</sup> شرایط پس از جنگ سرد و فروپاشی اردوگاه جهانی سوسیالیسم و

عقب‌نشینی شوروی و بلوک شرق از آفریقا برای حاکمیت میلا دشواری‌هایی به‌وجود آورد، لذا رویکردهای سیاست خارجی و اقتصاد ملی آنگولا دچار تغییرات گشته و شرکت‌های نفتی آمریکایی سهم کلانی در اقتصاد نفتی این کشور فراهم کردند. در بخش معادن این کشور به‌ویژه سنگ‌های گران‌قیمت چون الماس، شرکت‌های صهیونیستی و اروپایی حضور چشم‌گیری پیدا کردند.<sup>۱۴</sup>

به‌خاطر اهمیت اقتصادی آنگولا، رژیم صهیونیستی پس از یک دور مذاکرات با رهبران میلا توانست سفارتخانه خود را در سال ۱۹۹۲ در پایتخت این کشور دایر کند. سازمان ملل جهت جلوگیری از توسعه دامنه درگیری‌های مسلحانه میان میلا و گروه‌های متخاصم یک‌سری مجازات‌ها و تحریم‌های علیه این کشور از جمله ممنوعیت فروش اسلحه و الماس اعمال کرد<sup>۱۵</sup> ولی رژیم صهیونیستی در قاچاق و فروش الماس این کشور و تأمین تسلیحاتی گروه‌های درگیر نقش مؤثری ایفا نمود.

حجم مبادلات رژیم صهیونیستی با آنگولا در سال ۲۰۰۷ بالغ بر چهارصد میلیون دلار می‌باشد، الماس آنگولا پس از لغو تحریم‌های بین‌المللی نقش مهمی در افزایش حجم مبادلات تجاری میان این کشور و رژیم صهیونیستی و کشورهای اتحادیه اروپا دارد. سفارت این رژیم در لوآندا مناسبات صهیونیست‌ها با کشور سائوتومه و پرنسیب را نیز اداره می‌کند. اخیراً رژیم صهیونیستی، مناسبات اقتصادی خود را با آنگولا توسعه و متنوع ساخته و در زمینه کشاورزی اقدام به ایجاد مزارع بزرگ در نقاط مرکزی این کشور نموده است.<sup>۱۶</sup>

موزامبیک: رژیم صهیونیستی که نقش مؤثری در طولانی شدن استعمار پرتغال در مستعمرات آفریقایی‌اش به‌ویژه آنگولا و موزامبیک داشته، پس از استقلال این مستعمرات هم‌چنان به نقش مخرب خود در جهت عدم تکامل روند استقلال و آزادی



این مستعمرات، ادامه داد. جبهه آزادی‌بخش موزامبیک (فرلیمو) که به رهبری ادواردو مولین در سال ۱۹۶۲ پایه‌گذاری شد، رهبری نهضت آزادی و استقلال<sup>۱۷</sup> و جنگ‌های آزادی‌بخش بین سالهای ۱۹۶۴ تا ۱۹۷۵ را بر عهده داشت. این کشور پس از انعقاد توافق‌نامه لوزاکا میان پرتغال و فرلیمو در سال ۱۹۷۵ مستقل گشت. جمهوری تازه مستقل به رهبری حزب واحد فرلیمو و ریاست جمهوری سامورا ماشل با فشارهای رژیم‌های نژادپرست در آفریقای جنوبی و رودزیا روبه‌رو گشت. تأسیس سازمان رینامو، بخشی از سیاست‌های امنیتی رژیم آپارتاید آفریقای جنوبی برضد این کشور بود. آمریکا و رژیم صهیونیستی نقش فعالی در تقویت رینامو علیه رژیم چپ‌گرای موزامبیک داشتند.

اسناد فروش غیرقانونی اسلحه به گروه‌های مسلح آفریقایی از سوی رژیم صهیونیستی چند سال پیش فاش شده و پسر فرانسوا میتران - رئیس جمهوری اسبق فرانسه - و چند شخصیت فرانسوی و تیم مشاور امنیتی ایهود باراک - نخست‌وزیر اسبق رژیم صهیونیستی - متهمین اصلی این پرونده بودند. دانی یاتوم رئیس سابق دستگاه اطلاعاتی موساد و مالک ۱۵٪ شرکت افریقا - اسرائیل نقش مهمی در زمینه فروش غیرقانونی اسلحه به کشورهای درگیر آفریقایی داشته است.<sup>۱۸</sup>

در پی کشته شدن ماشل در یک حادثه سقوط هواپیما، جواکیم چیسانو در ۱۹۸۶ رئیس جمهوری موزامبیک گشت و در آستانه فروپاشی شوروی در سال ۱۹۸۹ این کشور ایدئولوژی مارکسیستی - لنینیستی را رها می‌کند و رویکرد جدید در سیاست خارجی و اقتصاد ملی پیدا می‌کند و در سال ۱۹۹۰ نظام چندحزبی پایه‌ریزی می‌شود. حزب حاکم (فرلیمو) و گروه معارض (رینامو) در پی مذاکراتی در ۱۹۹۲ در رم موافقت‌نامه صلح را امضا می‌کنند و تا حدودی به جنگ داخلی خاتمه داده شد.

موزامبیک در دوران نظام چيگرای فريليمو با رژيم صهيونيستي تضادهای امنيتی و ايدئولوژی داشته است.

این رژيم در حمايت تسليحاتی - لجستيکی، آموزشی، اطلاعاتی و نظامی گروه مقاومت ملی موزامبیک (رينامو) نقش مؤثری داشت. صهيونيستها با رژيم آپارتايد آفریقای جنوبي در مبارزه با جنبش‌های آزادی‌بخش منطقه جنوب آفریقا هماهنگی و همکاری داشتند. به طور مثال، رژيم آپارتايد در حمله سال ۱۹۸۳ خود به مابوتو پایتخت موزامبیک (معروف به عملیات ترکش‌ها) از تاکتیک‌های نظامی رژيم صهيونيستي در عملیات تهاجمی تابستانی ۱۹۸۲ به بيروت استفاده نمود. موزامبیک حمله کماندوئی رژيم صهيونيستي به تونس در اکتبر ۱۹۸۵ که منجر به قتل برخی از رهبران ساف از جمله شهيد ابوجهاد (خليل‌الوزير) گردید را محکوم کرد.

فروپاشی شوروی و پایان جنگ سرد و کاهش حضور کشورهای اردوگاه سوسيالیستی در آفریقا، تحولات زیادی در رژيم‌های منطقه آفریقا از جمله موزامبیک به‌وجود آورد و رژيم‌های رادیکال و مارکسيستی آفریقایي را در معرض تهاجم آمریکا قرار داد. موزامبیک تحت تأثیر این کشور و غرب بسیاری از مشکلات امنيتی مابوتو را حل کرده و زمینه را برای کاهش تنش و رونق فعالیت‌های اقتصادی و توسعه‌ای فراهم ساخت. تحولات در خاورمیانه و تشدید روند سازش اعراب و صهيونيستها به‌ویژه پس از برگزاری کنفرانس صلح مادرید در اکتبر ۱۹۹۱، امضای توافق‌نامه غزه - اریحا و انعقاد قرارداد صلح وادی عربیه میان اردن و صهيونيستي در ۴ مه ۱۹۹۴ زمینه‌ها را برای برقراری مناسبات سیاسی میان کشورهای رادیکال آفریقایي و رژيم صهيونيستي در ژوئیه ۱۹۹۳ فراهم کرد و سفیر رژيم صهيونيستي در زیمبابوه مناسبات طرفین را اداره می‌کند. حجم مبادلات میان طرفین اندک است.

دماغه سبز (کاپورد)، گینه بیسائو و سائوتومه و پرنسیب: این مستعمرات پرتغالی در منطقه غرب آفریقا واقع شده و از لحاظ ژئوپلیتیک و ژئواکونومیک اهمیت ویژه‌ای دارند، پس از فروپاشی شوروی و تغییر رویکرد سیاست خارجی و اقتصاد ملی در این کشور، رژیم‌های حاکم پس از تشدید روند صلح خاورمیانه با رژیم صهیونیستی روابط سیاسی برقرار کردند.

دماغه سبز (کاپورد) در ژوئیه ۱۹۹۴ با رژیم صهیونیستی روابط سیاسی برقرار کرده و سفیر این رژیم در داکار در این کشور آکر دیته است.<sup>۱۹</sup>

جمهوری گینه بیسائو در مارس ۱۹۹۴ روابط سیاسی با صهیونیست‌ها برقرار کرد و سفیر صهیونیست‌ها در سنگال در این کشور آکر دیته است. کشور سائوتومه و پرنسیب مناسبات سیاسی و دیپلماتیک خود را با رژیم اشغالگر قدس در نوامبر ۱۹۹۳ برقرار کرد و سفیر صهیونیست‌ها در لواندا مدیریت روابط با این کشور را بر عهده دارد.

### مناسبات رژیم صهیونیستی با کشورهای انگلیسی زبان منطقه

میان رژیم صهیونیستی و کشورهای این منطقه مناسبات تاریخی و پیچیده‌ای در ابعاد مختلف وجود دارد.<sup>۲۰</sup> یهودیان اروپا در قرن نوزدهم به همراه سفیدپوستان به این منطقه مهاجرت نمودند و در زمینه‌های مختلف اقتصادی - اجتماعی و سیاسی این منطقه فعالیت کردند.

درباره حضور یهودیان در منطقه جنوب آفریقا نظریات مختلفی وجود دارد. برخی از مورخان یهودی عقیده دارند که تعدادی از یهودیان با رعایت تحفظ (اروپای کاتولیک تا آستانه قرن بیستم ضدیهودی بوده) به همراه پرتغالی‌ها در قرن هفدهم وارد سرزمین آفریقای جنوبی شده و در ساخت کیپ‌تاون در ۱۶۵۲ نقش داشتند. در میان کارمندان

و مدیران شرکت هند شرقی هلند - از قرن هفدهم تا نوزدهم - در منطقه جنوب آفریقا افراد یهودی نیز حضور داشته و در امور تجاری فعال بودند. با گسترش مستعمرات انگلیسی در این منطقه زمینه‌ها جهت حضور یهودیان اروپایی به این منطقه مساعد گردید. در سال ۱۸۴۱ اولین جمعیت یهودی متشکل از ۱۷ یهودی در کیپ‌تاون تأسیس گردید. یهودیان منطقه بعد از هشت‌سال کنیست «Tikvat Israel» «امید اسرائیل»<sup>۲۱</sup> را تأسیس کردند. از قرن نوزدهم، جمعیت یهودیان در منطقه افزایش یافت. جمعیت‌ها، سازمان‌های آموزشی و اجتماعی و ساختارهای دینی - اجتماعی یهودی در این منطقه به‌طور روزافزون در حال گسترش بود. یهودیان هلندی، انگلیسی، آلمانی و لیتوانی مهاجرت‌های زیادی به این منطقه نمودند و در زمینه معادن، نهادهای مالی و بیمه و کشاورزی فعال شدند. یهودیان در تأسیس بانک‌ها و نهادهای اعتباری، حمل و نقل و شیلات در این منطقه پیشگام بودند.

کشف معادن الماس در آفریقای جنوبی در سال ۱۸۶۷ باعث جذب تجار یهودی اروپایی به این منطقه گشت و برخی از یهودیان کیپ‌تاون، جهت تأسیس شرکت‌های معادن برای استخراج الماس به سمت ژوهانسبورگ مهاجرت کردند.<sup>۲۲</sup>

بارنی و سامی مارکس دو سرمایه‌دار بزرگ یهودی در ۱۸۹۷ اقدام به تأسیس بزرگ‌ترین شرکت معدن الماس آفریقای جنوبی نمودند. سامی مارکس جایگاه مهمی در تجارت و سیاست آفریقای جنوبی داشته و در جنگ بوئرها نقش واسطه میان انگلیسی‌ها و بوئرها بازی می‌کرد. در سال‌های ۱۹۱۰ - ۱۸۸۰ به دلیل فشار جوامع اروپای شرقی بر یهودیان، بسیاری از یهودیان لیتوانی به آفریقای جنوبی فرار کرده و جمعیت یهودیان این سرزمین از ۴۰۰۰ نفر به چهل هزار نفر افزایش یافت.

جنبش صهیونیستی در آفریقای جنوبی پس از گشایش اولین کنگره جهانی یهودیان در ۱۸۹۸ در بال سوئیس شروع به توسعه جنوب آفریقا نمود و باعث حدوث چندین جنگ گشت که مهم‌ترین جنگ در سال‌های ۱۹۰۲ - ۱۸۹۹ رخ داد و در دو جبهه یهودیان حضور داشتند و عده‌ای از آن‌ها کشته یا اسیر گشتند.<sup>۲۳</sup> یهودیان در پی تأسیس اتحادیه آفریقای جنوبی در ۱۹۱۰ جایگاه مهمی در اقتصاد و سیاست این اتحادیه پیدا کردند. یهودیان علاوه بر آفریقای جنوبی در رودزیا (زیمبابوه) و آفریقای جنوب‌غربی (نامیبیا)، بوتسوانا و زامبیا در بخش معدن و تجارت و بانکداری حضور داشتند و در پایه‌ریزی رژیم آپارتاید در این سرزمین‌ها نقش داشتند.

در جزیره ماداگاسکار - مستعمره فرانسویان در منطقه جنوب آفریقا - اقلیت یهودی بسیار ناچیز بوده و در تجارت و بانکداری این سرزمین فعالیت داشتند.<sup>۲۴</sup>

### یهودیان آفریقای جنوبی و نقش سیاسی و اقتصادی و اجتماعی آنان

جمعیت یهودیان آفریقای جنوبی بالغ بر هشتاد هزار نفر تخمین زده می‌شود. ریشه اغلب آن‌ها از نسل اول یهودیانی که به همراه سفیدپوستان به این منطقه مهاجرت کردند، می‌باشد یهودیان هلندی سهامداران شرکت هلندی هند شرقی بوده که در سال ۱۷۵۲ در کشور آفریقای جنوبی مؤسسات اقتصادی به وجود آورده بود. در سال ۱۸۹۰ برخی از یهودیان لهستان و لیتوانی به این کشور مهاجرت کردند. جمعیت یهودیان در سال ۱۹۳۶ بالغ بر ۹۰۶۴۵ نفر بوده و حدود ۴/۵۲٪ کل جمعیت سفیدپوستان این کشور را تشکیل می‌دادند.

برخی از آمارهای رسمی جمعیت یهودیان را در سال ۱۹۹۵ بالغ بر ۱۱۴ هزار نفر تخمین می‌زند. از تأسیس دولت صهیونیستی تا کنون حدود ۲۰ هزار اسرائیلی به این

کشور مهاجرت کرده و همچنین برخی از یهودیان زیمبابوه پس از استقلال و به ویژه پس از به قدرت رسیدن موگابه به آفریقای جنوبی مهاجرت کردند.<sup>۲۵</sup> اغلب یهودیان آفریقای جنوبی از طایفه اشکنازیم و اقلیتی که در کیپ‌تاون زندگی می‌کنند از طایفه اسفاردیم هستند.<sup>۲۶</sup> ۶۵٪ کل جمعیت یهودیان این کشور در ژوهانسبورگ زندگی می‌کنند و حدود ۲۵۶۵۰ نفر در شهر کیپ‌تاون حضور دارند.

یهودیان آفریقای جنوبی بیشتر با فرهنگ انگلیسی پیوندهای اجتماعی و فرهنگی دارند زیرا حزب حاکم سفیدپوستان ریشه هلندی و فرهنگ آفریقایی داشته و از لحاظ سیاسی و ایدئولوژی گرایش‌های نازیستی دارا است. یهودیان در جنگ بوئرها از انگلیس‌ها بر ضد هلندی‌ها جانبداری کردند.<sup>۲۷</sup>

### نقش یهودیان در اقتصاد آفریقای جنوبی

یهودیان در سال ۱۹۵۹ به تاسیس شرکت‌های مالی و تجاری پرداختند و توانستند ۵۵٪ کل سهام بازار بورس ژوهانسبورگ را از آن خود کنند و بیش از ۳۰٪ کل ثروت کشور در دست آنان است. آنان در زمینه کشاورزی، صنعت و معادن بسیار فعالند. نسل اول یهودیان در معادن طلا و الماس نقش اول داشته و در قرن بیستم پیشگام تأسیس بانک‌ها و شرکت‌های بیمه و حمل‌ونقل دریایی بودند. یهودیان آفریقای جنوبی بزرگترین حامیان مالی و اقتصادی رژیم صهیونیستی هستند<sup>۲۸</sup> در زمینه آموزش عالی و مراکز فناوری، یهودیان حضور فعال و برجسته‌ای در مراکز آموزشی پزشکی، حقوقی و اقتصاد و حسابداری دارند.

شرکت آنگلو آمریکن که ۹۰٪ معادن طلا را در انحصار خود دارد، از آن خانواده یهودی اوبنهایمر است. این شرکت خود یک مؤسسه اقتصادی بزرگ است که صدها

شرکت فرعی در زمینه بیمه، مستغلات، مطبوعات و رسانه‌ها و خدمات مالی و مهندسی دارد.<sup>۲۹</sup>

شرکت اولد میچوال<sup>۱</sup> که در زمینه بیمه فعالیت دارد، یکی از شرکت‌های یهودی غول‌آسا است. مؤسس آن سوول سولمون پدر گروه مطبوعاتی آرجیوس که دفتر مرکزی آن مستقر در شهر کیپ‌تاون است. خانواده انتونی روبرت تجارت و صنعت توتون آفریقای جنوبی را در انحصار دارد. این خانواده با داشتن شرکت دیمبراندت صنعت سیگار این کشور را در کنترل دارد. یهودیان سرمایه‌دار با تسلط بر بنیاد آفریقای جنوبی نقش سیاسی و اقتصادی در حیات مردم این کشور بازی می‌کنند.<sup>۳۰</sup> بنیاد آفریقای جنوبی، نقش مهمی در مذاکرات رژیم آپارتاید و رهبران حزب کنگره ملی آفریقا داشته است. فشارها و تحریم‌های بین‌المللی علیه رژیم آپارتاید نقش مؤثری در سقوط رژیم اقلیت سفیدپوست در این کشور داشته است. او بنه‌ایمر از یهودیان با نفوذ سیاسی و مالی است که نقش مؤثر در مؤسسه آفریقای جنوبی است. این شخصیت هرگز ضد رژیم آپارتاید نبوده بلکه بر این باور است که قوانین و بخش نامه‌های اداری آپارتاید، مانع از بهره‌برداری از کارگران سیاهپوست است. یهودیان سرمایه‌دار در یک تضاد تاریخی با گروه‌های نژادپرست دارای هویت هلندی و آفریقایی بودند، لذا یهودیان با اصول و قوانین آپارتاید مخالفت اصولی نداشته، بلکه می‌دیدند که سیاست‌های تبعیض‌نژادی در ابعاد مختلف به اقتصاد و تجارت این کشور ضربات مهلکی می‌زند و هزینه‌های نظامی و امنیتی کشور را بالا می‌برد و این یک زیان اقتصادی کلان است.<sup>۳۱</sup> پس از فروپاشی رژیم آپارتاید و به قدرت رسیدن ماندلا در مه ۱۹۹۴، سرمایه‌داران یهودی گروه مشورتی تشکیل دادند و ماندلا در اغلب تصمیم‌گیری‌های اقتصادی و مالی از این گروه توصیه‌ها

و مشورت‌های راهبردی دریافت می‌کرد و از آن‌ها در اجرای برنامه‌های اقتصادی و مالی استفاده می‌کرد.<sup>۳۲</sup>

### نقش سیاسی یهودیان در آفریقای جنوبی

یهودیان نقش مؤثری در تداوم رژیم آپارتاید داشته و دستاوردهای کلانی به‌خاطر همدستی و همکاری با سفیدپوستان اروپائی به‌دست آوردند و جایگاه ممتازی در پایه‌های اقتصادی رژیم آپارتاید داشتند.<sup>۳۳</sup> نفوذ و قدرت مالی گروه‌ها و شخصیت‌های یهودی زمینه‌ها را برای حضور یهودیان در نهادها و تشکیلات سیاسی فراهم ساخت، آن‌ها در احزاب سیاسی به‌ویژه حزب لیبرال (بعدها به حزب دموکراتیک تبدیل شد و رهبر آن یک یهودی به نام تونی لونی است)، حزب یگانه، حزب کارگری، حزب پیشرو و همچنین در احزاب کمونیست و اصلاح‌طلب حضور فعال دارند. اغلب احزاب سیاسی آفریقای جنوبی مواضع جانبداری و هواداری از رژیم صهیونیستی دارند و از راه‌های مختلف به آن رژیم کمک‌هایی ارائه می‌دهند.<sup>۳۴</sup>

حزب کنگره ملی که عامل مهمی در فروپاشی آپارتاید و برقراری نظام دموکراتیک با اکثریت سیاه‌پوستان، داشت در دوران حاکمیت رژیم اقلیت سفیدپوستان از سوی رژیم‌های رادیکال عرب به‌ویژه لیبی و الجزایر از طریق کمک‌های مالی و نظامی مورد حمایت بوده و ارتباطات تنگاتنگ با سازمان‌ها و تشکیلات فلسطینی به‌ویژه سازمان آزادی‌بخش فلسطین (فتح) داشته اما به‌خاطر قدرت و فعالیت لابی صهیونیستی نتوانست روابطش با رژیم صهیونیستی را کاهش دهد. جمهوری آفریقای جنوبی روابط سیاسی با دولت خودگردان فلسطین دارد ولی دفاع و حمایت این کشور از قضیه فلسطین چندان نیست. اعراب توقع داشته جمهوری آفریقای جنوبی که پس از فروپاشی



رژیم آپارتاید که شراکت راهبردی و همه‌جانبه با رژیم صهیونیستی داشت، از قضایای فلسطین حمایت‌های گسترده‌ای بنماید ولی این امر اتفاق روی نداد. نفوذ و جایگاه ممتاز لابی‌های صهیونیستی در سیاست، اقتصاد و آموزش و فناوری نقش مؤثری در ادامه توسعه مناسبات میان آفریقای جنوبی و رژیم صهیونیستی داشته است. رهبران حزب کمونیست و گروه‌های چپ سیاه‌پوست که اغلب ارتباطات سنتی با یهودیان دارند، هم‌اکنون در حکومت اکثریت سیاه‌پوست جایگاه ممتازی دارند از جمله رونی کاسیرلر وزیر اطلاعات که در گذشته وزیر آبیاری و جنگل‌ها بود و جو سلوفو از رهبران حزب کمونیست آفریقای جنوبی که نقش مهمی در مقاومت سیاسی و مسلحانه داشته و در روی کار آمدن حکومت اکثریت سیاه‌پوستان بسیار فعال بود. یهودیان انگلیسی‌تبار نقش مؤثری در تأسیس حزب کمونیست و گروه‌های چپ و سندیکا‌های کارگری داشتند.<sup>۳۵</sup>

یهودیان آفریقای جنوبی علاوه بر حضورشان در نهادهای حزبی و تشکیلات سیاسی، در نهادهای فرهنگی و مذهبی متشکل هستند و قدرتمندترین آن‌ها جمعیت خاخام‌های آفریقای جنوبی است که ارتباطات سازمانی با رژیم صهیونیستی و محافل احزاب و تشکل‌های سیاسی و مذهبی راست‌گرا دارد. تشکل‌های مذهبی یهودی تحت تأثیر جریان‌ات سیاسی چپ و راست قرار دارد. خاخام‌های اصلاح‌طلب تشکیلات چپ مذهبی به‌نام انجمن خاخام‌های پیشرو در آفریقای جنوبی دارند.<sup>۳۶</sup>

با بررسی نقش یهودیان و سرمایه‌داران آن‌ها در سیاست و اقتصاد این کشور می‌توان شاخص‌های سیاست خارجی جمهوری آفریقای جنوبی به‌ویژه سیاست خاورمیانه آن را شناخت و آینده این سیاست را تبیین نمود که خلاصه آن به شرح ذیل است:

۱. حضور فعال لابی صهیونیستی در سیاست و اقتصاد جنوب آفریقا مانع و عامل مؤثری در عدم حمایت و پشتیبانی آفریقای جنوبی از قضیه فلسطین و حقوق حقه مردم آن می‌باشد.
۲. دولت آفریقای جنوبی در قضیه منازعه اعراب و رژیم صهیونیستی سعی دارد بی‌طرف باشد و تاحدی توارنی در مناسبات خود با اعراب و صهیونیست‌ها ایجاد کند.
۳. لابی صهیونیستی و گروه‌های فشار یهودی نقش مؤثری در سیاست هم‌گرایی این کشور با امریکا و اتحادیه اروپا دارند.

### مناسبات رژیم صهیونیستی با آفریقای جنوبی

مناسبات میان رژیم صهیونیستی و آفریقای جنوبی تاریخی و پیچیده است و گستره آن در ابعاد مختلف و در سطوح متفاوتی می‌باشد. رژیم صهیونیستی و رژیم آپارتاید آفریقای جنوبی از لحاظ منشأ و روند تأسیس آن تشابه و اشتراکات فراوانی دارند. پیروزی حزب ملی (اغلب از مهاجران هلندی (بوئرها) و با گرایش‌های نازی بودند) زمینه را برای تبدیل نظریه تبعیض نژادی و قوانین آپارتاید<sup>۳۷</sup> در ۲۶ مه ۱۹۴۸ به یک نظام حکومتی فراهم ساخت. رژیم صهیونیستی نیز با حمایت قدرت‌های استعماری به صورت یک اقلیت بر ملت و سرزمین دیگران مسلط بوده است. اقلیت سفیدپوست اروپایی طی دو قرن استعمار توانست ۸۷٪ زمین‌های کشور آفریقای جنوبی را تصاحب کند و رژیم صهیونیستی با انواع اقدامات ضدبشری توانست ۹۳٪ زمین‌های فلسطین اشغالی را تصرف کند. هسته‌های تشکیلاتی و ساختار فکری حزب ملی و جنبش صهیونیسم براساس تبعیض نژادی و سوسیال‌داروینزم در اوایل قرن بیستم پدید آمدند. حزب ملی<sup>۳۸</sup> در سال ۱۹۳۴ توسط دکتر مالان تشکیل شد.

آپارتاید و صهیونیسم: نظام و ایدئولوژی آپارتایدی و صهیونیستی در ابعاد نظری و عملی اشتراکات زیادی دارند. دو رژیم جهت سرکوب فلسطینی‌ها و سیاه‌پوستان (صاحبان اصلی سرزمین‌ها) قوانین مختلفی تدوین و اجرا کرده و رژیم آپاتاید طی چهار دهه و رژیم صهیونیستی تا کنون حاکمیت خود را با زور سرنیزه و دستگاه‌های سرکوبگر پاسداری کرده ولی در سطح منطقه و جهان مورد اعتراض و تنفر بودند. بقای این رژیم‌ها عامل تهدید امنیت منطقه و جهان بوده و زمینه‌ها را جهت استمرار نزاع و تنش آماده ساختند. رژیم آپارتاید و صهیونیستی با اجرای قانون ثبت جمعیت، قوانین زمین، تروریسم، بازداشت، خرابکاری آزادی‌ها و حقوق اکثریت مردم را نادیده گرفتند.<sup>۳۹</sup> رژیم سفیدپوست و صهیونیستی قوانین تبعیض در ابعاد سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، مذهبی و فرهنگی اعمال نموده و اکثریت را در حصارهای گوناگونی قرار داده‌اند. ایجاد دیوار حایل توسط رژیم شارون بسیار شبیه با نظام ایجاد کانتون‌هایی برای سیاه‌پوستان است.<sup>۴۰</sup>

### زمینه‌ها و ابعاد روابط میان رژیم صهیونیستی و آفریقای جنوبی

گرچه حزب ملی آفریقای جنوبی گرایش‌های نئونازیستی و رژیم صهیونیستی در دههٔ چهل و پنجاه به‌طور اعلامی قوانین رژیم آپارتاید را محکوم می‌کرده ولی دو رژیم از همان زمان تأسیس همکاری و هماهنگی داشتند. تل‌آویو در سال ۱۹۵۲ دفتر نمایندگی در آفریقای جنوبی دایر کرد و آن را در سال ۱۹۷۴ به سفارتخانه تبدیل کرد. رژیم آپارتاید در سال ۱۹۷۲ سرکنسول‌گری در تل‌آویو، گشایش کرد. جان فورستر رهبر حزب ملی و رئیس جمهوری رژیم آپارتاید که گرایش‌ها نئونازی داشته در ۱۹۷۶ سفری به فلسطین اشغالی داشته و مورد استقبال ارکان رژیم صهیونیستی قرار گرفت.

در سفر فورستر، دو رژیم مناسبات خود را توسعه داده به‌ویژه در بعد امنیتی - نظامی استقلال آنگولا و موزامبیک و روی کار آمدن رژیم‌های چپ‌گرا در این کشورها برای امنیت سفیدپوستان نژادپرست آفریقای جنوبی تهدید محسوب می‌شدند. لذا دو کشور نژادپرست علیه کشورهای چپ‌گرا و مستقل در منطقه جنوب آفریقا متحد شدند و جهت سرنگونی آن‌ها برنامه‌ریزی و اقدام نمودند. در پنجمین اجلاس سران کشورهای عدم تعهد در کلمبو در سال ۱۹۷۶، تحریم‌هایی همچون فروش نفت به فرانسه و رژیم صهیونیستی به‌خاطر فروش اسلحه به رژیم آپارتاید تصویب شد. کشورهای عربی سازمان اوپک فروش نفت به رژیم آپارتاید را نیز تحریم کردند. رژیم شاه با فروش نفت<sup>۴۱</sup> و رژیم صهیونیستی با فروش اسلحه و تجهیزات، حامیان رژیم نژادپرست آفریقای جنوبی بودند. این حمایت‌های اساسی در تداوم سیاست امنیتی - نظامی رژیم نژادپرست آفریقای جنوبی علیه همسایگان خود در دهه هفتاد و هشتاد، مؤثر بوده است.<sup>۴۲</sup> پیترو بوتو نخست وزیر رژیم آپارتاید در سال ۱۹۷۷ سفری به فلسطین اشغالی داشت و با مناخیم بیگن نخست‌وزیر و موشه‌دایان وزیر جنگ رژیم صهیونیستی ملاقات کرد و پیرامون روابط نظامی - امنیتی دوجانبه مذاکره نمود. لئیل عضو ارشد وزارت خارجه رژیم صهیونیستی که در دهه هشتاد نقش مؤثری در گسترش مناسبات نظامی - امنیتی دو رژیم داشت در مصاحبه‌ای با یک نشریه صهیونیستی می‌گوید: در دهه هشتاد اسرائیل صنعت تسلیحاتی در آفریقای جنوبی را بنیاد نهاد.<sup>۴۳</sup>

شارون وزیر جنگ رژیم صهیونیستی در سال ۱۹۸۱ به آفریقای جنوبی و نامبیا یک سفر ده روزه داشت و پیرامون مناسبات نظامی و امنیتی دو جانبه با مقامات نژادپرست آفریقای جنوبی مذاکره کرد.

در زمینه همکاری نظامی - هسته‌ای دو رژیم همکاری فعالی داشته و شیمون پرز به عنوان وزیر دفاع دوبر در دوران ریاست جمهوری جان فورستر (۱۹۷۹ - ۱۹۷۸) جهت تحکیم روابط در این زمینه به آفریقای جنوبی سفر کرد. رژیم آپارتاید نقش مؤثری در تهیه اورانیوم مورد نیاز رژیم صهیونیستی، داشت و سازمان جاسوسی سیا همکاری هسته‌ای دو رژیم را رصد می‌کرد.<sup>۴۴</sup> بوتا در سال ۱۹۸۴ به فلسطین اشغالی سفر دیگری داشت و با اسحق شامیر، نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی مذاکره داشت.

رژیم صهیونیستی تحت فشار افکار عمومی و تحریم‌های بین‌المللی و منطقه‌ای به‌طور اعلامی در ۱۸ مارس ۱۹۸۷ و ۱۶ سپتامبر همان سال، سیاست‌های کاهش روابط با رژیم آپارتاید در زمینه فرهنگی، ورزشی و تجاری را تصویب کرد ولی این سیاست‌های اعلامی هیچ تأثیری بر روابط نظامی - امنیتی دو رژیم نداشت.<sup>۴۵</sup>

فروپاشی شوروی و اردوگاه جهانی سوسیالیسم و پایان جنگ سرد، باعث کاهش هزینه‌های قدرت‌های بزرگ برای تغذیه رقابت‌ها در آفریقا گشت. تبعات و نتایج پایان جنگ سرد بر رژیم آپارتاید تأثیرات فراوانی داشت و باعث فروکش کردن جنگ‌های نیابتی در منطقه جنوب آفریقا گردید. این شرایط زمینه را برای روی کار آمدن دکلرک به عنوان کارگزار اصلاح‌طلب در آفریقای جنوبی فراهم ساخت. شرایط منطقه و جهان باعث مرگ رژیم آپارتاید شد و دولت جدید اکثریت سیاه‌پوست به رهبری نلسون ماندلا روی کار آمد.

سقوط و فروپاشی رژیم آپارتاید روی مناسبات رژیم صهیونیستی و آفریقای جنوبی، تأثیرات متفاوتی داشت ولی حضور یهودیان آفریقای جنوبی در ارکان دولت جدید و پیچیدگی مناسبات مانع از گسستگی حاد روابط میان طرفین گشت.

پیروزی حزب کنگره ملی و روی کار آمدن دولت اکثریت سیاه‌پوست در رویکرد سیاست خارجی کشور آفریقای جنوبی تأثیرات فراوانی داشت و پایه‌های زیر به عنوان عناصر مهم سیاست خارجی مطرح شد:

۱. تشویق دموکراسی

۲. احترام به حقوق بشر

۳. تلاش جهت ممانعت از بروز جنگ

۴. تشویق به حل و فصل مسالمت‌آمیز اختلافات منطقه‌ای و جهان.<sup>۴۶</sup>

دولت جدید با فلسطینی‌ها تماس‌ها و مذاکراتی داشته و زمینه‌ها را جهت برقراری روابط دیپلماتیک فراهم کرد، ولی مناسبات آفریقای جنوبی و رژیم صهیونیستی دچار وقفه حادی نگشت و روند روابط به سمت تنوع و توسعه پیش‌رفت.

در سپتامبر ۱۹۹۵ آلفرد اترو وزیر امور خارجه آفریقای جنوبی از فلسطین اشغالی دیدار کرد و با رژیم صهیونیستی پیرامون وضعیت مناسبات، مذاکره و موافقت‌نامه‌ای جهت برگزاری کمیسیون مشترک اقتصادی میان طرفین امضا شد و اولین دور کمیسیون مشترک میان دو رژیم در ژوئن ۱۹۹۶ در تل‌آویو برگزار گشت. در این اجلاس، ۵ توافق‌نامه در زمینه‌های کشاورزی، جهانگردی، فرهنگ، محیط زیست و علوم مورد بررسی و تصویب قرار گرفت. در نیمه دوم دهه نود، رژیم صهیونیستی در پروژه کشاورزی به ارزش ۲/۵ میلیون دلار در استان کاونگ و کیپ شرقی اجرا و در توسعه و پیشرفت کشاورزی این منطقه مؤثر گشت. ماندلا در سال ۱۹۹۱ سفری به فلسطین اشغالی داشت و یادآوری کرد که رژیم صهیونیستی با رژیم آپارتاید همکاری داشته ولی در جنایت آن شریک نبوده است.

گرچه آفریقای جنوبی به مناسبت‌هایی از رژیم صهیونیستی به‌خاطر سیاست‌های سرکوب‌گرایانه‌اش علیه ملت ستمدیده فلسطین، انتقادهایی می‌کند ولی مناسبات میان طرفین در حال پیشرفت است، دو کشور در فناوری تسلیحاتی، به‌ویژه در ساخت تأسیسات موشکی و هدایت آن همکاری وسیعی دارند. آفریقای جنوبی در سال ۱۹۹۹ تأسیسات پشتیبانی جنگی به مبلغ هشت میلیون پوند به اسرائیل فروخت.<sup>۴۷</sup>

ایهود اولمرت معاون نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی در سال ۲۰۰۴ به آفریقای جنوبی سفر کرد و با تابوامبکی رئیس جمهوری آفریقای جنوبی پیرامون مناسبات دوجانبه مذاکره نمود. ژنرال عاموس یارون مدیرکل وزارت جنگ رژیم صهیونیستی در پی دیدارش از آفریقای جنوبی، احیای همکاری‌های نظامی و امنیتی میان دو کشور را اعلام کرد.<sup>۴۸</sup>

اسناد همکاری که میان طرفین امضا شده عبارتند از:

- توافق‌نامه مبنی بر لغو روادید میان طرفین در سال ۱۹۵۶
- موافقت‌نامه استرداد مجرمین در ۱۹۵۹ امضا و در ۱۹۷۶ تعدیل شد.
- معاهده اجتناب از مالیات مضاعف در ارتباط با درآمد و سرمایه‌گذاری میان طرفین در سال ۱۹۷۸ امضا شد.
- توافق‌نامه پیرامون اجتناب از مالیات مضاعف بر صادرات و واردات میان طرفین از طریق دریا و هوا در سال ۱۹۷۸ منعقد شد.
- یادداشت تفاهم همکاری در زمینه‌های مختلف در سال ۱۹۹۱ امضا گردید.
- موافقت‌نامه برگزاری کمیسیون مشترک در ۱۹۹۵ امضا شد.
- حجم مبادلات تجاری میان دو کشور از ۵۰۰ میلیون دلار در ۲۰۰۳ به یک میلیارد دلار در سال ۲۰۰۷ ارتقا پیدا کرد.

تهاجم وحشیانه ارتش صهیونیستی به غزه در اواخر دسامبر ۲۰۰۸ با عکس‌العمل دولت و مردم آفریقای جنوبی روبرو گشت. باسوسانجکو معاون سفیر دائمی آفریقای جنوبی در سازمان ملل در مورخ ۲۰۰۹/۱/۱۴ خواستار عقب‌نشینی ارتش صهیونیستی از غزه شد.<sup>۴۹</sup> سندیکا‌های کارگری این کشور به اعتراض به جنایت ارتش اسرائیل، از رژیم صهیونیستی به شدت انتقاد و آن را مانند رژیم آپارتاید قلمداد نمودند.<sup>۵۰</sup>

مناسبات رژیم صهیونیستی با دیگر کشورهای منطقه: حضور جمعیت قابل توجه یهودیان در زیمبابوه (رودزیای جنوبی) زمینه را برای توجه و اهتمام رژیم صهیونیستی به این کشور فراهم ساخته است. دو کشور در نوامبر ۱۹۹۳ روابط در سطح سفارتخانه برقرار کردند و سفیر رژیم صهیونیستی در زیمبابوه مدیریت روابط میان رژیمش و کشورهای زیمبیا، نامیبیا، موزامبیک، بوتسوانا و مالاوی را نیز عهده‌دار می‌باشد. یهودیان در این کشور در بانکداری و کشاورزی صنعتی بسیار فعال هستند و نقش مهمی در تداوم حیات رژیم آپارتاید، یان اسمیت داشتند.

یهودیان در زامبیا (رودزیای شمالی) در معادن مس، دامپروری و کشاورزی فعال بوده و در دهه سی نقش فعالی در شهرهای لیونگستون و کیتو داشته و حتی به مقام شهرداری این شهرها ارتقای مقام پیدا کردند. اکنون یهودیان این کشور به دلایل اقتصادی به مناطق دیگری مهاجرت کردند و تعداد آن‌ها کاهش یافته است.

یهودیان آفریقای جنوب غربی (نامیبیا) در زمینه معادن و کشاورزی فعال بوده ولی تعداد آن‌ها رشد چشمگیری نداشته است.

در نوامبر ۱۹۸۰ شهر ویندهوک (پایتخت کشور) با شهرک‌نشین صهیونیستی کریات تلاش (در حاشیه شهر قدس شریف) خواهرخوانده شد. یهودیان ماداگاسکار اندک هستند ولی در تقویت مناسبات این کشور با رژیم صهیونیستی نقش داشته و در ژانویه



۱۹۹۴ دو کشور روابط خود را برقرار کردند و سفیر رژیم صهیونیستی در آفریقای جنوبی در این کشور آکرودیده است.<sup>۵۱</sup>

اقلیت‌های یهودی در اقمار آفریقای جنوبی همچون بوتسوانا، لسوتو، سوازیلند و مالاوی در معادن الماس و کشت و صنعت و دامپروری سرمایه‌گذاری می‌کنند. این کشورها در گذشته تحت تأثیر رژیم آپارتاید هرگز روابطشان را با رژیم صهیونیستی قطع نکردند.<sup>۵۲</sup> این کشورهای در سازمان ملل و ممالک بین‌المللی همواره از سیاست رژیم صهیونیستی حمایت می‌کردند.<sup>۵۳</sup>

### نتیجه

توجه و اهتمام رژیم صهیونیستی به کشورهای جنوب آفریقا بخشی از سیاست‌های راهبردی این رژیم در کل قاره آفریقا است. مناسبات رژیم اشغالگر قدس با آفریقای جنوبی، زیمبابوه و آنگولا از اولویت‌های دیپلماتیک و اقتصادی این رژیم در منطقه است. روند مناسبات صهیونیست‌ها با کشورهای پرتغالی‌زبان این منطقه (آنگولا و موزامبیک) با تنش آغاز شد ولی روابط دیرینه صهیونیست‌ها با رژیم نژادپرست و سفیدپوست آفریقای جنوبی نقش مؤثری در توسعه و تقویت حضور رژیم صهیونیستی در این منطقه داشته رژیم آپارتاید و اقمارش در منطقه هرگز روابط خود با رژیم صهیونیستی را قطع نکردند و پویایی‌های سیاسی، امنیتی و اقتصادی عامل مهمی در تحکیم مناسبات میان این رژیم‌ها بوده است. جایگاه برجسته یهودیان در اقتصاد و مدیریت آفریقای جنوبی نقش مؤثری در استواری شراکت راهبردی میان تل‌آویو و پرتوریا داشته است. یهودیان منطقه در اقتصاد زیمبابوه، آنگولا و نامیبیا نقش مهمی دارند و باعث تشکیل لابی صهیونیستی نزد رژیم‌های این منطقه گشته است.

## وضعیت مناسبات رژیم صهیونیستی با کشورهای جنوب آفریقا

نام کشور	سطح مناسبات	ملاحظات
آنگولا	سفارتخانه	در آوریل ۱۹۹۲ اسرائیل در آنگولا سفارت دایر کرد
بوتسوانا	سفیر آکرديته	در دسامبر ۱۹۹۳ روابطش با اسرائیل دوباره برقرار شد و سفیر اسرائیل در زیمبابوه در این کشور آکرديته است.
لسوتو	سفیر آکرديته	در اوت ۱۹۸۶ روابطش با اسرائیل دوباره برقرار گردید و سفیر اسرائیل در زیمبابوه در این کشور آکرديته است.
ماداگاسکار	سفیر آکرديته	در ژانویه ۱۹۹۴ روابطش را با اسرائیل عادی ساخت و سفیر اسرائیل در آفریقای جنوبی در این کشور آکرديته است.
زیمبابوه	سفیر	در نوامبر ۱۹۹۳ با اسرائیل روابط برقرار کرد
مالاوی	سفیر آکرديته	در ژوئیه ۱۹۶۴ با اسرائیل روابط برقرار کرد و سفیر اسرائیل در زیمبابوه در این کشور آکرديته است.
موزامبیک	سفیر آکرديته	در ژوئیه ۱۹۹۳ با اسرائیل روابط برقرار کرد و سفیر اسرائیل در زیمبابوه در این کشور آکرديته است.
نامیبیا	سفیر آکرديته	در فوریه ۱۹۹۴ با صهیونیست‌ها روابط برقرار کرد و سفیر اسرائیل در زیمبابوه در این کشور آکرديته است.
آفریقای جنوبی	سفیر	از ژانویه ۱۹۷۵ روابطش با اسرائیل در سطح سفارت ارتقا داد
سوازیلند	سفیر آکرديته	در سپتامبر ۱۹۶۸ با اسرائیل در روابط برقرار کرد و سفیر اسرائیل در زیمبابوه در این کشور آکرديته است.
زامبیا	سفیر آکرديته	در ژوئیه ۱۹۹۴ با اسرائیل روابطش را عادی ساخت و سفیر اسرائیل در زیمبابوه در این کشور آکرديته است.

## یادداشت‌ها:

۱. خاطرات تئودور هرتزل به نقل از روزنامه تشرین، چاپ دمشق ۲۷ فوریه ۲۰۰۶
۲. روزنامه الشرق الاوسط، چاپ لندن مورخ ۲۸ آوریل ۲۰۰۷
۳. التقرير الاستراتيجی الافریقى (۲۰۰۳-۲۰۰۴) المجله الثانى، ناشر مركز البحوث الافریقیه ص ۳۴۹
۴. همان منبع فوق ص ۳۵۱
۵. التقرير الاستراتيجی الافریقى (۲۰۰۱-۲۰۰۲) المجله الاول، ناشر مركز البحوث الافریقیه ص ۳۶۸
۶. چند نویسنده عرب، التغلغل الاسرائیلى فى افریقیا، ابوظبى، انتشارات مركز زايد للتنسيق و المتابعه ص ۳۶
۷. التغلغل الاسرائیلى فى افریقیا ص ۴۱
۸. این موسسه پژوهشی با ارگان‌های سیاسی و امنیتی رژیم همکاری سازمانی دارد و با مؤسسات مطالعاتی آمریکایی پیرامون مسائل خاورمیانه و آفریقا مناسبات مطالعاتی و علمی دارد.
۹. احمد صلاحی بیومی، اسرائیل، افریقیا هدف استراتيجی ویب سایت مشکاه
۱۰. التقرير الاستراتيجی الافریقى ص ۱۹۱
۱۱. امیلکار کابراال نقش مهمی در جنبش آزادیبخش گینه بیسائو و دماغه سبز داشت. او در ۱۹۵۶ یک جنبش چپگرا به نام حزب افریقایی برای استقلال گینه بیسائو و دماغه سبز تأسیس کرد
۱۲. این کشور در ۱۹۷۵ مستقل شد ولی تنش و جنگ داخلی (۲۰۰۲-۱۹۷۵) مانع از پیشرفت و توسعه این کشور گشت.
۱۳. التقرير الاستراتيجی الافریقى، مجلد اول ص ۴۲۶
۱۴. نشریه الشرق الاوسط، چاپ لندن، مورخ ۲۵ ژوئن ۲۰۰۵

۱۵. شورای امنیت سازمان ملل جهت بررسی وضعیت تحریمهای خود علیه انگولا قطعنامه شماره «۱۲۹۵» را تصویب کرد و هیئت بازرسی به همین منظور تشکیل و در آخرین گزارش این هیئت آمده است:

گروه شورشی یونیتا طی سالهای اخیر ۳ تا ۴ میلیارد دلار اسلحه خریده است و بسیاری از رهبران کشورهای غرب آفریقا از جمله رئیس جمهوری توگو و کنگو دموکراتیک در این معاملات غیرقانونی نقش دارند. جنبش یونیتا که تا زمان به قتل رسیدن جوناس ساویمبی در ۲۲ فوریه ۲۰۰۲ حدود ۳/۱ درصد مساحت انگولا در اختیار داشته از طریق فروش الماس تمام هزینههای نظامی و امنیتی خود را تأمین می کرده است، التقرير الاستراتیجی الافریقی، جلد اول ص ۴۹۴؛

کتاب سبز انگولا، ابراهیم غلامزاده، ص ۶۹

۱۶. خبرگزاری رویتر مورخ ۲۰۰۸/۲/۲۸

۱۷. عسگر کریمی شرفشاده، موزامبیک، انتشارات وزارت امور خارجه، چاپ اول، ۱۳۷۵، ص ۷۸

۱۸. التقرير الاستراتیجی الافریقی (۲۰۰۲-۲۰۰۱) المجلد الاول ص ۳۸۶

۱۹. التقرير الاستراتیجی الافریقی جلد اول، ص ۳۸۶

۲۰. احمد عوده، اسرائیل و نظام الفصل العنصری، سایت شبکه فلسطین

۲۱. نامگذاری این کنیست اشاره‌ای به دماغه امید نیک در افریقای جنوبی است.

۲۲. احمد عوده، اسرائیل و نظام الفصل العنصری

۲۳. ۲۸۰۰ یهودی در جبهه انگلیسیها خدمت کرده و ۱۲۵ نفر کشته شدند در جبهه بوئرها

۳۰۰ یهودی حضور داشتند که ۱۰ کشته و ۱۸۰ نفر اسیر شدند.

۲۴. احمد عوده، اسرائیل و نظام الفصل العنصری

۲۵. احمد عوده، اسرائیل و نظام الفصل العنصری، سایت شبکه فلسطین

۲۶. منبع فوق

۲۷. احمد عوده، اسرائیل و نظام الفصل العنصری

۲۸. التغلغل الاسرائیلی فی افریقا، ص ۴۵

۲۹. همان منبع ص ۶۷
۳۰. گزارش‌های نمایندگی جمهوری اسلامی ایران در آفریقای جنوبی
۳۱. گزارش‌های نمایندگی جمهوری اسلامی ایران در آفریقای جنوبی
۳۲. همان منبع
۳۳. احمد عوده، اسرائیل و نظام الفصل العنصری
۳۴. همان منبع
۳۵. احمد عوده، اسرائیل و نظام الفصل العنصری
۳۶. احمد عوده، اسرائیل و نظام الفصل العنصری، و گزارش‌های نمایندگی جمهوری اسلامی ایران در آفریقای جنوبی.
۳۷. آپارتاید یک لغت آفریکانز بمعنای جدایی و تفکیک است. این لفظ نخستین بار در ۲۶ مارس ۱۹۴۳ در سرمقاله روزنامه *دی بورگر* که وابسته به حزب ملی آفریقای جنوبی بود، بکار برده شد.
۳۸. هسته اولیه این حزب از لحاظ فکری و سازمانی در سال ۱۹۲۴ توسط هر تسوک تشکیل گشت. دکتر احمد بخشی، بررسی روابط خارجی ایران و آفریقای جنوبی روزنامه اطلاعات ص ۱۲ مورخ ۸۷/۱۱/۲۱
۳۹. دکتر اسعد عبدالرحمن، نظام الفصل العنصری: جنوب آفریقا و اسرائیل، سایت شبکه فلسطین.
۴۰. جهت بررسی و مطالعه نظام آپارتاید و شباهت آن با رژیم صهیونیستی به کتابهای زیر مراجعه شود:
- الهی، حسین، *نژادپرستی و آپارتاید در آفریقای جنوبی و نامیبیا*، مشهد، آستان قدس رضوی، چاپ اول، ۱۳۶۸.
- لاگوما، الکس، *آپارتاید*، ترجمه کریم امامی، تهران، انتشارات خوارزمی، چاپ اول
- پاک آئین، محسن، *سیاست و حکومت در آفریقا*، تهران، انتشارات نقطه، چاپ اول، ۱۳۷۷

مقالات: محمدی نصرآبادی، ولی الله، نگرشی به آپار تاید، یک دهه پس از سقوط، فصلنامه مطالعات آفریقا سال نهم شماره نهم ص ۵۸.

- بشیر، حسن، مبارزه با آپار تاید از آغاز تا امروز، تهران، روزنامه اطلاعات مورخ ۲۱ تیر تا ۵ مرداد ۱۳۷۳

۴۱. ایران نود درصد نیازهای نفتی افریقای جنوبی را تأمین می‌کرد. براساس قراردادهای نفتی میان شاه و رژیم آپار تاید، پالایشگاه ناتروف (چهل کیلومتری ژوهانسبورگ) با همکاری شرکت نفت توتال فرانسه و شرکت ساسول آفریقای جنوبی با ظرفیت پنجاه هزار شبکه در روز تأسیس شد و در اواخر فوریه ۱۹۷۱ به بهره‌برداری رسید. شرکت ملی نفت ایران در این پروژه ۱۷/۵ درصد سهم داشت. دکتر احمد بخشی، جاوید قربان اوغلی، بررسی روابط خارجی ایران و آفریقای جنوبی، تهران، روزنامه اطلاعات ص ۱۲ مورخ ۲۳ بهمن ۱۳۸۷

۴۲. منبع فوق

۴۳. احمد عوده، اسرائیل و نظام الفصل العنصری

۴۴. احمد عوده، اسرائیل و نظام الفصل العنصری

۴۵. همان منبع

۴۶. چمنکار، احمد، افریقای جنوبی، تهران، انتشارات وزارت امور خارجه چاپ اول، ۱۹۷۳

۴۷. خبرگزاری‌های ۱۱ نوامبر ۱۹۹۹

۴۸. روزنامه الشرق الاوسط چاپ لندن مورخ ۲۰۰۵/۶/۱

۴۹. الشرق الاوسط ۲۰۰۹/۱/۱۵

۵۰. الشرق الاوسط ۲۰۰۹/۱/۱۱

۵۱. شفیعیان، حمیدرضا، کتاب سبز ماداگاسکار، تهران، انتشارات وزارت امور خارجه، چاپ اول، ۱۳۸۲

۵۲. احمد عوده، اسرائیل و نظام الفصل العنصری

۵۳. محمد عبود الفرج، الموقف الافریقى من القضیه الفلسطينیه قبل حرب اکتوبر ۷۳ لیبی-

طرابلس، انتشارات المنشاه العامه للنشر و التوزیع و اعلان چاپ اول ۱۹۸۲ ص ۹۴

## منابع

## مقالات فارسی

۱. صبری انوشه، قاره آفریقا در سیاست‌های راهبردی رژیم صهیونیستی، فصلنامه مطالعات آفریقا، شماره ۱۲ پائیز و زمستان ۱۳۸۴.
۲. گزارش‌های نمایندگی جمهوری اسلامی ایران در آفریقای جنوبی.
۳. گزارش‌های نمایندگی جمهوری اسلامی ایران در زیمبابوه.
۴. دکتر احمد بخشی، جاوید قربان اوغلی، بررسی روابط خارجی ایران و آفریقای جنوبی، روزنامه اطلاعات مورخ ۸۷/۱۱/۲۳، ص ۱۲.

## کتاب فارسی

۱. حمیدرضا شفیعیان، ماداگاسکار، انتشارات وزارت امور خارجه، چاپ اول ۱۳۸۲
۲. احمد چمنکار، آفریقای جنوبی، انتشارات وزارت امور خارجه، چاپ اول ۱۳۷۳
۳. عسگر کریمی شرفشاده، موزامبیک، انتشارات وزارت امور خارجه چاپ اول ۱۳۷۵

## مقالات عربی

۱. ابواسکندر السوداني: التغلغل الاسرائيلي الصهيوني في أفريقيا، مجله الهدف.
۲. احمد صلاح بيومي، اسرائيل: أفريقيا هدف استراتيجي، سايت مشكاه.
۳. التغلغل الاسرائيلي في، سايت خبري جيندور.
۴. بدر حسن شافعي، ماذا تريد إسرائيل من أفريقيا.
۵. كمال ابراهيم، عودة اسرائيل الى افريقيا.
۶. روزنامه الشرق الاوسط مورخ ۲۸ آوريل ۲۰۰۷.
۷. اخبار و گزارش‌های از سايت المركز الفلسطيني الاعلام.
۸. احمد عوده، اسرائيل و نظام الفصل العنصري، سايت شبكه فسطين.

## کتاب عربی

۱. التقرير الاستراتيجی الافریقى (۲۰۰۱-۲۰۰۲) المجله الاول، ناشر مركز البحوث الافریقیه

۲. التقرير الاستراتيجی الافریقى (۲۰۰۳-۲۰۰۴) المجله الثانى، ناشر مركز البحوث الافریقیه

۳. التقرير الاستراتيجی الافریقى (۲۰۰۵-۲۰۰۶) المجله الثالث، ناشر مركز البحوث الافریقیه

۴. التغلغل الاسرائیلی فى افریقیا، ابوظبى، انتشارات مركز زايد للتنسيق و المتابعة

۵. محمد عبود الفرچ، الموقف الافریقى من القضية الفلسطينية قبل حرب اکتوبر ۷۳ لیبى، انتشارات المنشأة العامة للنشر والتوايخ و الاعلان چاپ اول ۱۹۸۲.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی